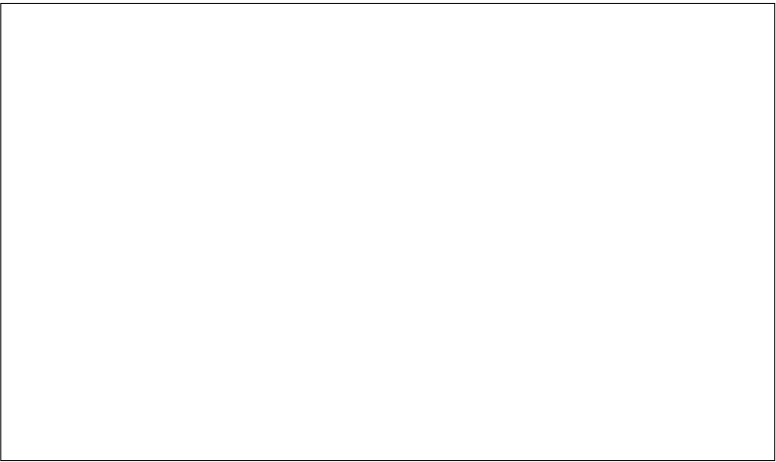


برجام: بی فرجام

## آیا حماقت نیست که این بار موشک‌ها را معامله کنیم؟



می‌کنند! اگر پس از خروج آمریکا از برجام بخواهیم با اروپا نیز ارتباط نداشته و به شرایطی بازگردیم که با دنیا هیچ ارتباط مالی، انرژی و اقتصادی نداشته باشیم نتیجه‌اش می‌شود فقری که امام سجاد ع می‌فرماید «لا طاقت بالفقر» من طاقت فقر را ندارم. کارشناس مجری این میزگرد با طرح این سؤال که آیا شما این را در تضاد با منافع برجام نمی‌دانید چراکه اگر منفعتی برای این توافق قائل بودید باید این اتفاق میفتاد یعنی در یکی از ۱۰۰ دستاوردی که به اعتقاد شما منافع برجام بود این موارد گنجانده می‌شد، گفت: اما این مسئله دیده نشده پس این محور وجود نداشته‌است.

این فعال سیاسی پاسخ داد: ما ادعا نمی‌کنیم که برجام هیچ مشکلی نداشته، چراکه وقتی مقام معظم رهبری از منتقدان تشکر می‌کنند یعنی در نظرات آن‌ها نکات مثبتی وجود داشته و تأکید می‌کنند که مجلس بااحتیاط‌های خاصی آن را تصویب کند، پس قبول داریم که مشکلاتی داشته و یکی از ایرادات این است که آمریکا توانسته یک‌جانبه از آن خارج شود هرچند نمی‌توان مطمئن بود که اگر تضمینی هم بود باقی می‌ماند یا خیر.

ما باید طی این ۴۰ سال یک اقتصاد مقاومتی می‌داشتیم که همه‌چیز ما وابسته به بیرون از کشور نباشد! ما هنوز وابسته به نفت هستیم مگر نه اینکه باید تا سال ۱۴۰۰ وابستگی کامل ما به نفت از بین می‌رفت.

در خصوص نظر اسام خمینی (ره) برای رابطه با آمریکا و اسرائیل که هرگز به‌عنوان یک کشور قبولش نداریم، بنده معتقد می‌توان با آمریکا ارتباط داشت. اگر به نظرات امام (ره) در سبایت‌های رسمی رجوع کنیم ایشان برای ارتباط با آمریکا همیشه شرط قائل شده‌اند و تنها با اسرائیل صراحتاً گفته‌اند نمی‌شود. برجام هم ارتباط با آمریکا نیست بلکه برداشتن قطب‌نامه‌هایی است که بواسطه رفتار و داشتن انرژی هسته‌ای رای ایران صادر شده، یعنی اگر از دیوار سفارت آمریکا بالا رفتیم و او قطب‌نامه‌ای داخلی برای ما تصویب کرده همچنان هست و ارتباطی با برجام برای برداشتن نیست که لازم است این موارد از هم تفکیک شود. ما رابطه‌ای با آمریکا نداشتیم بلکه مذاکراتی بوده در خصوص انرژی هسته‌ای ما و تحریم‌های مربوط به آن.

اما اینکه باید چه‌کار کنیم؟ اشاره می‌کنم به صحبت‌های رئیس‌جمهور در ۲۲ بهمن سال گذشته که ما می‌بایست برگردیم به قانون اساسی و آن را رعایت کرده و اصولش را محترم بداریم که یکی از اصول آن برگزاری انتخابات است. اگر می‌خواهیم گناهی یک تصمیم را به نوشیدن جام زهر به عهده یک نفر نباشد برگردیم به نظر عموم که چه می‌گویند و در این صورت است که خیالمان راحت است و می‌گوییم مردم خواسته‌اند!

حسینی با بیان اینکه بسیاری از تحلیلگران معتقدند مطرح شدم مسئله همه‌پرسی که موضوعی است که نگاه ژورنالیستی به قضیه تصمیم‌گیری‌های استراتژیک دارد برای نمونه اگر امروز به خواست مردم در مورد مالیات انتخابات برگزار شود کدام‌یک از ما می‌تواند بگوید که باید یا نه؟ اما این سؤال می‌دهیم که باید یا نه؟ از کارخانه‌ای سؤال کرد: آیا می‌توان سرنوشت یک مملکت را که باید بر مبنای دانش و آگاهی اتفاق بیفتد به تصمیم‌هایی برای آن در به‌عنوان نظر مردم تحمیل کند؟

این فعال سیاسی با اشاره به اصل ۵۹ قانون اساسی، عنوان کرد: این اصل می‌گوید در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی «ممکن است» اعمال قوه قضائیه از جمله همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت بگیرد و درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد، پس راه و راهکار وجود دارد. البته ما هر موضوعی را که نباید به همه‌پرسی بگذاریم اما این مسئله مهمی است که با جان و زندگی مردم سروکار دارد.

برجام نباشد و ارتباطمان با کشورهای اروپایی نیز قطع شود مردم در تهیه دارو به مشکل خواهند خورد! همان‌طور که در حال حاضر قیمت دلار و وضعیت بازار دچار تلاطم شده‌است! که اگر زی‌ساخت‌ها را طی این سال‌ها درست می‌کردیم اکنون چنین شرایطی نداشتیم، پس باید با دنیا محترمانه صحبت کنیم و ایران هراسی را کنار بگذاریم، اگر توهم ایران هراسی وجود دارد این مسئله را آن‌ها القا کنیم که این‌گونه نیست.

مقام معظم رهبری جمله‌ای دارند به این مضمون؛ کسانی که به‌عنوان توریست وارد ایران می‌شوند با ۱۰ درصد احساس امنیت است اما هنگام خروج با ۹۰ درصد است یعنی باید کاری کنیم که خارجی‌ها نگویند ما تهدیدی برای امنیت و صلح جهانی هستیم و راهکار عملی آن این است که از چیزهایی که باعث ترس دیگران از ما می‌شود کوتاه بیایم حتی از... و در پایان اینکه، چه کسی را می‌شناسید که قفل محکم خانه‌اش را به خواسته یک دزد به او بدهد؟! قضاوت ما صدق نمی‌کند؟ چون ما کشوری اسلامی هستیم، می‌خواهیم متکی‌به‌خود باشیم و اجازه



سیاسی

sepehrgarb.news@gmail.com

جدی‌تری را داشته باشیم و از این سه کشور نیز به‌غیراز تضمین‌های امنیتی و چیز دیگری قانع نشویم و این ایراد برجام که ضمانت اجرایی برای آن پیش‌بینی نشده بود تا اگر یکی از اعضا از آن خارج شد چه‌کار باید کرد؟ نباید دوباره تکرار شود.

بنده از رسانه توقع دارم برای اینکه به سطح آگاهی مردم ارتقا بدهد در برنامه‌های جذابی منشور سازمان ملل را به اطلاع مردم برساند چراکه با خواندن آن انسان احساس می‌کند در جنگلی زندگی می‌کند که قدرتمندها اختیار هر کاری را دارند.

آنچه حسینی از صحبت‌ها و دیدگاه بابائی استنباط کرد این بود که برجام عملاً تمام‌شده و باید فقط منتظر اعلام مرگ آن بود، باید انسجام ملی شکل بگیرد و درنهایت دست بر زانوهای خود گذاشته و مشکلات را حل کرد.

حسن رحیم‌پوروش نیز در پاسخ به سؤال مجری با بیان اینکه برجام برای ما یک تجربه دیگر بود چراکه پیش‌ازاین نیز با اروپایی‌ها معاهداتی داشته‌ایم که به آن عمل نشد و با آمریکا بیانیه الجزایر را در مورد گروگان‌ها داشتیم که طرف مقابل به هیچ‌یک از تعهداتش در قبال آزادی گروگان‌ها عمل نکرد، خاطرنشان کرد: عجیب است که دوستان باز از کخدایایی و قدرت آمریکا سخن می‌گویند و اینکه باید به سمت او رفت! ما که رفیقیم و هر آنچه می‌خواست دادیم، نشستیم، قدم زدیم، خندیدیم، دست دادیم، نسکافه خوردیم و هر چه خواسته بود در برجام گنجاندیم و پذیرفتیم تا از شر خود دست بردارد، آیا دست برداشت؟ آیا حماقت نیست که این بار موشک‌ها را معامله کنیم؟

اما در خصوص صدفری که نامه نوشته‌اند؛ این‌ها ادامه همان ۳۰ نفری هستند که وقتی ترامپ انتخاب شد نامه نوشتند که به ایران حمله و تحریم‌ها را بیشتر کن، هرچند باکمی ادبیات متفاوت و محترمانه‌تر. این‌ها منتصب به جریانی هستند که آمریکا را کدخدا می‌دانند و حال که در برجام نتیجه نگرفته‌ایم دوباره حرف از مذاکره بر سر موشک‌ها می‌زنند، یعنی بپذیریم و تسلیم شویم! البته فعلاً علنی و صریح این موضوع را بیان نمی‌کنند اما مذاکره بی‌قیدوشرط دو معنی دارد یعنی وقتی با کشوری مثل آمریکا مذاکره می‌کنی او هر چه گفت بی‌قیدوشرط بپذیری و وقتی از داخل پیشنهاد مذاکره بی‌قیدوشرط می‌شود یعنی بازه‌ها در چه گفت بپذیر. مشکل کشور ما وجود افرادی با این نوع از تفکر است.

در خصوص اینکه آینده کشور چه خواهد شد؟ باید بگویم ما توجه به سخنرانی امیدوارکننده رئیس‌جمهور محترم که موضعی کاملاً متفاوت و نسبت به سال‌های گذشته و گویا بازگشت دوباره به ریل انقلاب داشت به توان ملی اعتماد کرد و با مبارزه با شراکات و ریخت‌پاش‌ها، تبعیه‌ها به سادّه زیستی، حمایت از تولید ملی و در یک‌کلام به اقتصاد جنگی بازگشت. در چنین شرایطی که کشور با محدودیتی مواجه است چه اشکالی دارد؟ این توجه به محدودیت منابع چرا باید برای برخی مصارف غیر ضرور مانند خرید تلفن همراه یا سفر حج از طرف دولت یارانه پرداخت شود؟ اگر کسی استطاعت مالی دارد، با هزینه شخصی پرداخت کند و اگر ندارد لزومی به پرداخت بیت‌المال برای چنین مصارفی نیست؛ حال سفرهای تفریحی و غیره که بماند.

منابع محدود ارزی کشور باید به بخشی از کالاهای اساسی اختصاص داده شود که در داخل امکان و شرایط تولید ندارند وگرنه اولویت با کالای داخلی است و باید دست تولیدکننده را نیز بوسید و از او حمایت کرد. نکته بعدی مبارزه با اشرافی گری است. بالای جان جمهوری اسلامی اشرافی شدن و صندلی پرستی مسؤولان است صندلی‌های سرخ و سبز بهارستان و پاسستر و بسیاری را شیفته خود کرده و باعث فراموش‌شدن مردم و جامعه شده‌است؛ درحالی‌که ۸۰ درصد جامعه ما فقتر متوسط رو به پایین و تنها ۲۰ درصد متوسط هستند که امیدواریم روزی این نسبت عکس شود اما تدابیری که تا‌به‌حال در کشور وجود داشته اغلب به نفع همان ۲۰ درصد بوده‌است. به‌عنوان مثال گفته می‌شود که وام مسکن به زوج‌های جوان داده می‌شود که ماهیانه دو الی ۳ میلیون باید اقساط آن را بپردازند! در شرایط کنونی کدام زوجی می‌توانند با این تدبیر در راستای رفاه ملی و باطنی خود باشند؟ این تدبیر، صاحب‌خانه شود مگر غیر از همان ۲۰ درصد که از این وام را نام نگیرند کسانی خرید دارند، پس این تدبیر در راستای رفاه کسانی است که نیاز ندارند. به فقر دهک‌های پایین کشور باید متناسب با توان مالی او کمک کرد و وام داد که این امکان را وجود دارد اگر باورش باشد.

طی این روزها شاهد افتتاح فاز دوم پالایشگاه خلیج‌فارس بودیم که ۱۲ میلیون لیتر در روز امکان تولید بنزین دارد و فاز نخست آن سال گذشته افتتاح شد که پیش‌بینی کرده‌اند فاز سوم آن نیز در نیمه دوم امسال افتتاح شود. این پالایشگاه به دست جهادگران خاتمالانیا ساخته‌شده؛ فرزندان انقلابی همین آب‌وخاک و همان‌هایی که از آن‌ها به تفنگداران دولت در سایه تعبیر می‌شود بدون کمک خارجی‌ها. اگر این طرح را توانستند چرا نتوانند پروژه‌های دیگر را نیز در کشور انجام دهند؟

به آن‌ها اجازه شد و توانستند تحریم‌ها را از پیش‌بینایی بی‌اثر می‌شوند، حال عده‌ای مدام بر طبل مذاکره و افسردام با تکیه بر راهبرد اقتصاد مقاومتی، اصول فرهنگ و مدنیت با توجه به سابقه تاریخی خود در جهت ایجاد یک رفاه نسبی به‌خصوص برای طبقات زیر متوسط تلاش کنیم و جلوی این فساد افکارگسیخته اقتصادی را که به سر فرموده رهبری معظم، عمومی هم نبوده اما در دست عده اقلی است و بیشتر سرمایه و ثروت را در اختیار دارند، تبعیض‌های ناروا را برداریم و کاهش دهیم که در کشور ما صدق نمی‌کند؟ چون ما کشوری اسلامی معنوی و حمایت مردمی برخوردار است یک مذاکرات



دخالت بیگانگان و استکبار را در مسائل داخلی خود نمی‌دهیم! چون آمریکا در کشور ما پایگاه نظامی ندارد نگران است؟

و در ادامه بخش پاپائی می‌گزرد «پسابرجام؛ تعامل با اروپا، بایدها و نبایدها» را با حضور سه تن از فعالان سیاسی استان از جناح‌های مختلف؛ دکتر بهروز کارخانه‌ای فعال سیاسی، دکتر حسن رحیمی‌روشن عضو هیئت‌علمی دانشگاه بوعلی سینا و حیدرعلی بابائی فعال سیاسی و دکتر حمید حسینی عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی همدان به‌عنوان کارشناس مجری می‌خوانید.

**به‌عنوان سؤوال آخر با توجه به خروج آمریکا و به قولی کدخدا از برجام چه باید کرد؟ آیا باید منتظر دوگانه معیشت– موشکی باشیم که زمزمه‌های آن نیز آغازشده؟ آیا این ۱۰۰ فعال سیاسی داخلی و خارجی که با ارسال نامه‌ای به بزرگان کشور آن‌ها را به نوشاندن جام زهری دیگر ترغیب کرده‌اند واقعتی‌ها را ندیده‌اند؟ آینده برجام را چه می‌دانید؟**

حیدرعلی بابائی با اشاره به اینکه در تصویب و امضای برجام، قانون اساسی، حقوق مردم، نظر کارشناسان منطق و منافع ملی به‌نوعی دور زده شد، گفت: با توجه به اینکه طبق قانون باید این توافق به تصویب مجلس می‌رسید اما در ذقایق پاپائی با دخالت رآس نظام ملزم به ارائه به مجلس نشدند و قرار نبود که حتی مسیر ۲۰ دقیقه‌ای سوری را نیز برای تصویب طی کند.

از طرف یکی از دوستان عنوان شد که درباره مسائل کشور انتخابات برگزار شود، وقتی قوانین عادی و قانون اساسی رعایت نشود و بنا باشد این بنیان‌ها به‌هم‌ریخته و از دوباره بنیان‌گذاری نشود مذاکراتی بین مردم با ارائه به مجلس نشدند و قرار نبود که حتی مسیر ۲۰ دقیقه‌ای سوری را نیز برای تصویب طی کنند.

اسا درباره راهکار؛ امام خمینی (ره) آمریکا را شیطان بزرگ خطاب کردند و نکته اصلی همین عادی و قانون اساسی رعایت نشود و بنا باشد این بنیان‌ها به‌هم‌ریخته و از دوباره بنیان‌گذاری نشود مذاکراتی بین مردم با ارائه به مجلس نشدند و قرار نبود که حتی مسیر ۲۰ دقیقه‌ای سوری را نیز برای تصویب طی کنند.

به نظر می‌رسد این یک تقسیم‌کار بین سه کشور اروپایی و آمریکا بوده که روح، متن و ماهیت برجام را بگیرند و آن را بی‌خاصیت کنند و این‌ها با تظاهر به گلابی‌ها برجام برداشت کنیم!

ترامپ که انتخاب شد همان نیم نفس‌های برجام هم به شماره افتاد! معیشت مردم روزبه‌روز بدتر، سفرها خالی‌تر و قدرت خریدشان کم‌تر شد. اقتصاد دچار مشکلات بسیاری و هرروز بر تعداد کارخانه‌ها و واحدهای خرد و کلانی که به دلیل مشکلات تعطیل می‌شدند افزوده شد، اما مهم این بود که تورمان یک‌رکمی است! گفتند فروش نفت بیشتر شده اما نمی‌دانم چرا پولش بر سر سفره مردم نمی‌آمد! دلار در بازار آزاد به بیش از ۶ هزار تومان رسید و طلا به مرز ۲۰۰ هزار تومان در هر گرم می‌رسید. قیمت همه اقلام اساسی و غیراساسی مردم دو و سه برابر شد. هیچ تغییری! مگر می‌شود؛ ثمره ۱۲ سال مذاکرات، معطل شدن امور کشور و تحمیل شدن هزینه‌های بسیار برای آن و مردم، برای هیچ!

رئیس‌جمهور تازه به دوران رسیده، زیر میز مذاکرات زد و رسماً خروجیش را از این معاهده که قرار بود امضای کری ضمانتش باشد اعلام کرد. دریاچه‌ها را هم برجام حل کند و کیلوکیلو از گلابی‌ها برجام برداشت کنیم!

ترامپ که انتخاب شد همان نیم نفس‌های برجام هم به شماره افتاد! معیشت مردم روزبه‌روز بدتر، سفرها خالی‌تر و قدرت خریدشان کم‌تر شد. اقتصاد دچار مشکلات بسیاری و هرروز بر تعداد کارخانه‌ها و واحدهای خرد و کلانی که به دلیل مشکلات تعطیل می‌شدند افزوده شد، اما مهم این بود که تورمان یک‌رکمی است! گفتند فروش نفت بیشتر شده اما نمی‌دانم چرا پولش بر سر سفره مردم نمی‌آمد! دلار در بازار آزاد به بیش از ۶ هزار تومان رسید و طلا به مرز ۲۰۰ هزار تومان در هر گرم می‌رسید. قیمت همه اقلام اساسی و غیراساسی مردم دو و سه برابر شد. هیچ تغییری! مگر می‌شود؛ ثمره ۱۲ سال مذاکرات، معطل شدن امور کشور و تحمیل شدن هزینه‌های بسیار برای آن و مردم، برای هیچ!



کی و کجا برگزار شود به انتخاب ما بود. متأسفانه وقت‌کشی از طرف مقابل منجر به این شد که روزهای آخر دولت دهم نزدیک شود. حال اروپا در درمادگی به دنبال روزنه‌ای برای خروج از این شرایط بود و چون می‌دانست که نمی‌تواند در دولت دهم کاری از پیش ببرد با توجه به زمزمه حضور برخی افراد به‌اصطلاح میانه‌رو و اهل سازش با آن‌ها در انتخابات، ادامه مذاکرات و حصول نتیجه را به بعد از انتخاب رئیس‌جمهور جدید ایران موکول کرد.

متأسفانه در تبلیغات انتخابات موضع قدرت ایران در مذاکرات حفظ نشد و با شعارهایی برای سازش، روزنه‌های امید برای زیاد خواهان روزبه‌روز بیشتر شد. انتخابات برگزار و دولت یازدهم با شعار تدبیر و امید بر سرکار آمد. تصمیم به تشکیل تیم جدیدی برای مذاکرات گرفته شد که در آن صحبت از حتماً به توافق رسیدن ایران با طرف‌های مذاکره‌کننده مطرح بود.

مذاکرات پیش می‌رفت و این بار فشارها بر کشور با گره‌هایی که برخی عوامل خودفرخته و وطن‌فروش که در داخل حضور داشتند و یا به خارج از کشور و آغوش استکبار گریخته بودند بیشتر شد و اقتصاد و معیشت مردم را هدف گرفتند. دیگر تا نیم مذاکره‌کننده ایرانی حرف از ایستادن نمی‌زد بلکه اولویت، رسیدن به توافق به هر شرطی بود. وضعیت کشور را بحرانی و خزانه‌ها را خالی وانمود می‌کردند. دولت امید بود، اما هر آنچه گفته می‌شد تلقین نامیدی نسبت به شرایط کشور بود!

مذاکرات طولانی‌مدت میان ایران و ۶ قدرت جهانی (شامل چین، فرانسه، روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان) برای دستیابی طرفین به برجام هم‌زمان با توافق «موقت ژنو» در نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شد. پس از توافق ژنو، دو طرف، مذاکرات را به مدت ۲۰ ماه ادامه دادند تا سرانجام در آوریل ۲۰۱۵ به «تفاهم لوزان» به‌عنوان چارچوبی برای توافق وین دست یافتند. این توافق بالاخره پس از ۱۲ سال سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ منعقد و موسوم به برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) شد.

پاپائی بر مذاکرات ایران بر سر مسئله خطر تولید سلاح اتمی که با مسؤولیت حسن روحانی در مهر ۱۳۸۲ آغاز و در تیر ۱۳۹۴ با مسؤولیت محمدجواد ظریف و در دولت روحانی به پایان رسید. برجام امضا شد بدون اینکه نظر مخالفان موردتوجه قرار گیرد و حتی از این ظرفیت برای گرفتن امتیاز به نفع کشورمان استفاده شود، تنها مسئله مهم این بود که برجام امضا شود، تحت هر شرایطی!

حال باید منتظر ده‌ها دستاورد برجام می‌شدیم، قرار بود مشکل ریزگردها و حتی خشک شدن دریاچه‌ها را هم برجام حل کند و کیلوکیلو از گلابی‌ها برجام برداشت کنیم!

ترامپ که انتخاب شد همان نیم نفس‌های برجام هم به شماره افتاد! معیشت مردم روزبه‌روز بدتر، سفرها خالی‌تر و قدرت خریدشان کم‌تر شد. اقتصاد دچار مشکلات بسیاری و هرروز بر تعداد کارخانه‌ها و واحدهای خرد و کلانی که به دلیل مشکلات تعطیل می‌شدند افزوده شد، اما مهم این بود که تورمان یک‌رکمی است! گفتند فروش نفت بیشتر شده اما نمی‌دانم چرا پولش بر سر سفره مردم نمی‌آمد! دلار در بازار آزاد به بیش از ۶ هزار تومان رسید و طلا به مرز ۲۰۰ هزار تومان در هر گرم می‌رسید. قیمت همه اقلام اساسی و غیراساسی مردم دو و سه برابر شد. هیچ تغییری! مگر می‌شود؛ ثمره ۱۲ سال مذاکرات، معطل شدن امور کشور و تحمیل شدن هزینه‌های بسیار برای آن و مردم، برای هیچ!

رئیس‌جمهور تازه به دوران رسیده، زیر میز مذاکرات زد و رسماً خروجیش را از این معاهده که قرار بود امضای کری ضمانتش باشد اعلام کرد. دریاچه‌ها را هم برجام حل کند و کیلوکیلو از گلابی‌ها برجام برداشت کنیم!

سپهر غرب، گروه سیاسی – طیبه احمدی؛ ایران با پیشینه تاریخ و تمدن هزارساله، کشور کوروش و داریوش، رستم و آرش، کاوه و پوریای ولی، شاه‌عباس و نادرشاه، کریم‌خان و امیرکبیر و روح‌الله.

روزها و روزگاران گذرانده و تلخی‌ها و شیرینی‌های بسیار چشیده، فتنه‌ها از سر گذرانده، زخم‌ها برداشته اما همواره سربلند مانده.

برخی زمامدارانش ایستادند و ساختند، قلمروش را وسعت و به مردمش عزت و اقتدار دادند و بزرگش داشتند و برخی دیگر با بی‌کفایتی و با عهدنامه‌ها و توافق‌نامه‌ها، از روی حقارت و ترس، خاک وطن دادند که جان بی‌ارزششان چند صباحی بیشتر مصون بماند.

اقتدار و عزت این سرزمین مهرون بزرگانی است که در طول همه روزگاری که ایران، ایران بود، قطرقطره غیبت در رگ‌های وطن ریختند تا بر غیور مردان و شیر زاننش بایستند در برابر چشم طمع و ناپاک زیاده خواهان و استعمارگران.

سال ۵۷، متحد آمریکا و غرب بود اما پس‌ازاینکه امام خمینی (ره) موضع‌گیری‌ها و شفافیت‌هایی نسبت به ایادی غرب و شرق و اجرای عدل و انصاف در جهان داشت به یک‌باره ورق برگشت و به دشمنی برای استکبار تبدیل شد. برخی نیز در کشور که سرسپرده و بسیار علاقمند به سردماری، قلدری و زیاده‌خواهی آمریکا بودند بر طبل مخالفت کوبیدند که ایران بدون کدخدا نمی‌تواند!

اما مگر نه اینکه در همه سال‌های قبل و قبل از انقلاب، ایران عزیز ما هرگاه که خواست بایستد فرزندانش با جنگ و دندان، مقتدرانه با تمام ناملایمات از آن حفاظت و پاسبانی کردند، مگر غیبت از خون ایرانی‌ها رخت پرسته که بخواهند دوباره سلطه بیگانه را بر خود ببینند؟

مردمان این سرزمین طی همه دوران ثابت کردند که «ایرانی می‌میرد دلست نمی‌پذیرد»، اصلاً انقلاب کرد که بگوید می‌خواهد تکیه بر زانوهای تحت زده و کشورش را در حالی‌که قبل از پیروزی انقلاب برای زیر فشار قرار دادن از دانش فناوری و علم، اقتصاد شکوفا و معاملات بین‌المللی محرومش کردند به دست آورد، اما ای کاش برخی از آنان که روزی داعیه انقلاب کردن داشتند با گذشت سال‌ها، تحت تأثیر شیرینی تلخ تکیه بر صندلی‌های قدرت، مرعوب نمی‌شدند و هرروز از میزان غیبت و عزت ایرانی می‌تواندشان، کاسته نمی‌شد.

درست در زمانی که می‌رفت فرزندان نخبه ایران موفقیت‌هایشان چشمگیرتر شود و وقتی توانستند به فناوری هسته‌ای دست بیابند دشمنان به رشه افتادند و با هزار مکر و حيله درصدد برآمدند که متوقفش کنند و در این میان بودند کسانی که در اثر مرادات زیاد با ایادی غرب، خونشان دیگر برای کشورشان قلیان نباشد می‌کرد. از طرف آن‌هایی که خود را قدرت جهان می‌دانستند تهدید به تحریم‌های بیشتر شدیم، اما متوقف نشدیم، حیل‌ها بکار بردند تا بهانه‌ای برانندش برای مذاکره بر سر علم و فناوری هسته‌ای ما؛ درحالی‌که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی متعهد به اجرای آن در کشورمان بودند اما باوجود تعهد براحتی از آن شانه خالی کردند!

ایادی سلطه گفتند باید چه و چه خواهد شد؛ تیم مذاکره‌کننده‌ای تشکیل شد تا با در نظر گرفتن همه جواب، آنچه به صلاح اقتدار و آینده کشور است را در پیش گیرند. در عمر دولت هشتم از طرف ایران اعتمادسازایی‌های صورت گرفت اما از طرف مقابل هیچ اقدام متقابلی با وجود توقف موقت برنامه‌های هسته‌ای ایران انجام نشد، در واکنش به این رفتار، مقام معظم رهبری دستور دادند که روند برنامه‌های هسته‌ای ایران انجام نشد، در واکنش به این رفتار، مقام معظم رهبری دستور دادند که روند برنامه‌های هسته‌ای ایران انجام نشد، در واکنش به این رفتار،

عمر دولت وقت به پایان رسید و با روی کار آمدن دولت نهم موضوع فناوری هسته‌ای به یک مطالبه عمومی از طرف مردم تبدیل شد و همه یک‌صدا شدند که انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست؛ فناوری که در صورت ادامه پیشرفت‌هایش می‌توانست در مصرف ذخایر نفت و گاز به‌عنوان سوخت، صرفه‌جویی بسیاری داشته باشد و با کاهش مصرف آب توسط نیروگاه‌های تولید برق علاوه بر صرفه‌جویی آب، برق موردنیاز کشور را تأمین نیز کند و مردم در روزهای کم‌آبی و بی‌آبی، دیگر دغدغه مصرف برق نداشته باشند!

فشارها از طرف اروپا و آمریکا بیشتر می‌شد تا شاید به خیال خام خودشان بتوانند ایرانی را از پای درآورند، اما ازآنجاکه دولت نهم و دهم از حمایت مردمی در این موضوع برخوردار بود محکم ایستاد و مطالباتش را خواستار شد. دشمن که احساس می‌کرد به انواع دست‌سبیه‌ها روی آورد و تا آنجا پیش رفت که ترور دانشمندان هسته‌ای و تخنگیان این مملکت را در پیش گرفت. ازیک‌طرف انواع تحریم‌ها و تصویب قطعنامه‌ها در مجامع بین‌المللی علیه ایران و از طرفی ترور دانشمندان، اما چه خیال خامی، چراکه بازمهم ایران یکپارچه ایستادگی را فریاد می‌زد. روزها، ماه‌ها و سال‌ها از بی هم می‌گذشتند اما دیگر این طرف مقابل بود که در برابر ملتی همواره ایستاده، کم آوردند. حال ما بودیم که از موضع قدرت با آن‌ها سخن می‌گفتیم، حتی اینکه مذاکرات